

مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفویه

فاطمه بیدبرگ^{۱*}، اردشیر جوانمردزاده^۲، حبیب شهبازی شیران^۳، معصومه بیدبرگ^۴

۱- * کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی،

۲- استادیار گروه آموزشی باستان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی.

۳- استادیار گروه آموزشی باستان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی.

۴- کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

fatemeh.bidbarg@gmail.com

چکیده

با ظهور سلسله صفویه، بناهای زیادی با کارکردهای مختلف در آذربایجان ساخته شد. معماری اسلامی آذربایجان در این دوره از معماری بومی نیز تأثیر بسیار پذیرفته و موجب ساخت بناهایی ماندگار چون بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مساجد چوبی و کاروانسراها شده است. شناسایی و بررسی باستان‌شناختی این بناها برای دست‌یابی به یک شناخت کامل‌تر و عمیق‌تر هنر معماری این دوره مشخص می‌شود. هدف از انجام این پژوهش بررسی و تحلیل ویژگی‌های هویتی معماری اسلامی آذربایجان، شناخت روندهای تزیینی و نوآوری‌ها است. روش تحقیق نیز به صورت مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی اسناد و گزارش‌های باستان‌شناسی و تحقیقات میدانی می‌باشد. بناهایی که بررسی خواهد شد به‌عنوان مهم‌ترین این بناها انتخاب شده است. با توجه به تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که سبک معماری آذربایجان در دوره صفویه به شیوه سبک اصفهانی می‌باشد که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن می‌توان به رواج کاشی هفت‌رنگ که در بقعه شیخ صفی‌الدین به‌کرات مشاهده می‌شود، همچنین ساخت کوشک‌های چهل‌ستونی که مساجد چوبی آذربایجان شرقی بهترین نمونه‌های این نوع بناها در آذربایجان هستند و الگوی ساخت کاخ‌های صفوی می‌باشند. و ساخت کاروانسراها که در آذربایجان رواج بسیار یافت که نشانگر شکوفایی تجارت در این دوره می‌باشد، اشاره کرد. بقعه شیخ صفی‌الدین و مساجد چوبی که از مهم‌ترین این بناها در آذربایجان هستند، نمونه بارزی از بناهایی که در جای‌جای خود نشانه‌هایی از هویت دینی صفویان را به تصویر می‌کشند، می‌باشند.

واژگان کلیدی: دوره صفوی، معماری اسلامی آذربایجان، سبک اصفهانی، بقعه شیخ صفی‌الدین، مساجد چوبی

۱- مقدمه

آنچه امروز به آن تمدن ایرانی اطلاق می‌شود مجموعه‌ای است از فرهنگ‌ها، آداب و سنن مردمانی که به‌عنوان جزیی از یک پیکر، در رشد و بالندگی آن کوشیده‌اند و آذربایجان همواره از موثرترین کانون‌های این تمدن به‌شمار می‌رود چنانکه پیرنیا نیز معتقد است: سرزمین آذربایجان در معماری ایران در رده نخست اهمیت جای دارد؛ چرا که سه شیوه معماری ایران (پارسی، آذری و اصفهانی) از آنجا سرچشمه گرفته است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۰۶). شاه اسماعیل بنیانگذار پادشاهی صفویان تبریز را به پایتختی برگزید. اهمیت معماری نزد این پادشاه بسیار کمتر از هنرهای دیگر بود. شاید آشوب‌های سیاسی از جمله جنگ با عثمانی مانعی برای توجه به این مقوله بوده است. (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۲۵۳-۲۵۲). دوره شاه‌عباس دوره شکوه معماری

صفویان است. در این زمان بود که زیباترین بناهای صفوی را در اصفهان ساختند. شاه‌عباس در شهرهای دیگری همچون آذربایجان نیز بناهایی ساخت ولی هرگز به زیبایی و شکوه بناهای اصفهان نبود؛ هرچند بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در این میان استثناست. در دوره صفویه بیشتر از ساخت بناهای جدید ما شاهد مرمت و بازسازی بناها هستیم. صفویان در آذربایجان نیز به مرمت و بازسازی پرداختند که بقعه شیخ صفی‌الدین از مهمترین این بناها می‌باشد. در میان بناهای مذهبی که شامل مسجد، مدرسه، مقبره و غیره می‌باشد؛ بقعه شیخ صفی‌الدین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که شیوه آذری و شیوه اصفهانی را در خود جای داده است (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۲۸۷). صفویان برای اثبات ادعای حاکمیت و ایجاد مشروعیت خود به عنوان فرمانروا، مجموعه مقبره خانوادگی در اردبیل ساختند و بازسازی کردند و آن را بزرگترین نمونه این قلمرو کردند که تنها با زیارتگاه مقبره امام رضا (ع) در مشهد، قابل مقایسه بود (گرابر و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶۶). بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مهم‌ترین آثار تاریخی اردبیل است که از بناهای کم‌نظیر تاریخی ایران و از لحاظ صنعت از شاهکارهای معماری و کاشی‌کاری سده هشتم هجری و سال‌های پس از آن است. در واقع بنای اولیه بقعه مربوط به قرن هشتم می‌باشد و در زمان شیخ صدرالدین موسی ساخته شده است (موسوی، ۱۳۷۹: ۸۸). اکثر پژوهشگران معماری عصر صفوی از جمله آرتور پوپ نظرشان بر این است: بناهای بقعه نخسین‌بار با عنایت و توجه شاه‌طهماسب اول صفوی (۹۸۴-۹۳۰هـ) با موفقیت به صورت مجموعه منسجم درآمده است. و در دوره‌های بعد در زمان شاه‌عباس کبیر، شاه‌عباس دوم و شاه‌صفی با اصلاحات زیادی همراه بوده است (گلمغانی‌زاده و یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

در میان بناهای مذهبی دوره صفوی آذربایجان برخی مساجد نیز وجود دارند که دارای ارزش هنری بالایی می‌باشند که با عنوان مساجد ستوندار چوبی شناخته شده‌اند و از مهمترین ویژگی‌های سبک معماری اصفهانی در دوره صفویه می‌باشند. در میان بناهای غیرمذهبی دوره صفویه نیز کاروانسراها از اهمیت زیادی برخوردارند که در آذربایجان نیز نمونه‌های زیادی از این بناها ساخته شده‌اند که بیانگر شکوفایی تجارت در دوره صفویه در آذربایجان هستند.

هدف ما از این پژوهش شناخت سبک و سیاق معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفویه، ویژگی‌های هویتی معماری، شناخت روندهای تزئینی، معیارهای زیبایی‌شناختی، نوآوری‌ها و غیره می‌باشد. در این راستا سعی شده است که سبک معماری آذربایجان با سبک اصفهانی مقایسه شود و بررسی شود که کدامیک از ویژگی‌های سبک اصفهانی در آذربایجان وجود دارد و کدامیک از ویژگی‌های معماری آذربایجان در این دوره بومی می‌باشد. درباره ضرورت انجام این پژوهش باید گفت: تا به حال هیچ مقاله یا کتابی با این موضوع نگارش نشده است و یا اگر بوده بصورت مطالب پراکنده نوشته شده است که به ماهیت و ارزش‌های حقیقی معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفوی، نشانه‌های هویتی معماری و تحلیل و توصیف عمیق نپرداخته است. بدیهی است با انجام این پژوهش می‌توان به سوالات اصلی مقاله که مهمترین شاخص‌ها و ویژگی‌های معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفویه چیست و از چه سبکی پیروی می‌کند؟ و همچنین آیا این معماری ریشه در معماری بومی آذربایجان داشته است؟ پاسخ داد. روش تحقیق نیز بصورت تحلیلی - توصیفی است و در گردآوری اطلاعات از شیوه میدانی، مشاهده آثار، عکس‌برداری و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ گونه کتاب یا مقاله‌ای با عنوان ویژگی‌ها و شاخص‌های هنر معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفوی نوشته نشده است اما کلیاتی در رابطه با قسمتی از موضوع در کتاب‌ها و مقالات زیادی وجود دارد. این مطالب هم فقط به بخشی از موضوع، بصورت کوتاه اشاره کرده‌اند و هیچ گونه تحلیل و بررسی درباره معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفوی انجام نداده‌اند.

برای مثال: بیوک جامعی در کتاب آثار و ابنیه تاریخی اردبیل به معرفی بناهای تاریخی اردبیل پرداخته است.

کتاب‌هایی هم در رابطه با دوره صفوی وجود دارد که در روند پروژه تأثیر داشته‌اند مانند:

- تاریخ هنر ایران (۱۰)، هنر صفوی، زند، قاجار، نوشته جیان روبرتو اسکارچیا. که بصورت کلی توضیحاتی از هنر ادوار یاد شده می دهد.
 - تاریخ ایران کمبریج، دوره صفوی، ویراستار: پیتر جکسون و لورنس لاکهارت. این کتاب نیز هنر و معماری صفویان را بررسی می کند.
 - معماری و تزیینات ستاوندهای چوبی دوره صفویه در آذربایجان، نوشته سیروس خیری. کتاب خوبی درباره مساجد چوبی است که اطلاعات ارزشمندی در رابطه با معماری و تزیینات این مساجد می دهد.
 - سیر تحول معماری ایران، از دوره تیموری تا دوره معاصر، نوشته غلامرضا نعیم. این کتاب هم ادوار یاد شده را بخوبی مطالعه کرده است.
- همچنین کتاب باستانشناسی و تاریخ هنر بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، نوشته ملکه گلمغانی زاده اصل و حسن یوسفی، کتاب ارزشمند است که در رابطه با بقعه شیخ صفی الدین اطلاعات زیادی می دهد.
- کتاب نگاره های چوبی مساجد آذربایجان شرقی، نوشته ناهید دهقان، کتابی است که مساجد چوبی را بخوبی بررسی کرده است.

۳- ظهور دولت صفوی و هویت ملی

هویت ملی عبارت است از ویژگی هایی که ابعاد پنجگانه ملت - بعد روان شناختی، فرهنگی، سرزمینی، سیاسی و تاریخی در جامعه خاصی به خود می گیرد (قنبری، ۱۳۹۳: ۲۳). در دوره صفویان، عوامل پیوند دهنده ملت ایران به دست شاه اسماعیل و در عمق اندیشه ایرانی، در پیوند با عامل تشیع شکل گرفت (بارانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵). به صراحت می توان گفت اولین اقدام شاه اسماعیل برای تحکیم مبانی سلطنت خویش، ایجاد اتحاد عقیده ملی و مذهبی بود (قدیانی، ۱۳۸۴: ۴۲). در این دوره، به نوعی یکپارچگی و افکار عمومی مذهبی در بین مردم برمی خوریم که آداب و سنن مذهبی و ملی، تار و پود آن را به هم تنیده بود (آزند، ۱۳۸۰: ۴۸). در این باره سیوری نیز معتقد است:

"اعلام رسمی کردن مذهب تشیع از سوی شاه اسماعیل برای دولت صفویه منافع زیادی داشت از جمله: توان یک ایدئولوژی مذهبی پویا را به خدمت دولت جدید درمی آورد از این رو به دولت این قدرت را می داد که بر مشکلات اولیه غلبه کند. دوم اینکه این کار تمایز آشکاری بین دولت صفویه و امپراطوری عثمانی به وجود آورد و به این ترتیب به دولت صفوی هویت ارضی و سیاسی داد، و در نهایت برقراری تشیع اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور، موجب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد دولت متمرکزتر و قوی تر شد" (سیوری، ۱۳۸۹: ۲۸ و ۲۹).

در دوره صفوی، تشیع به عنوان اندیشه سیاسی دولت ایران، در پیوند با جوهره سرزمین و ملت ایران، هویت جغرافیایی سیاسی یافت، که ژان گاتمن از آن، با عنوان عوامل آیکونوگرافیک نام می برد و در واقع، از عوامل شکل گیری هویت ایرانی و بقای آن است (بارانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵). در این دوره ما شاهد تثبیت قلمرو جغرافیایی، احیاء و دست یابی به جغرافیای تاریخی ایران هستیم. سلسله صفویه ایران را بار دیگر ملتی قائم بالذات، متحد و توانا ساخت و ثغور آن را در ایام سلطنت شاه عباس به حدود امپراطوری ساسانی رسانید (براون، ۱۳۶۳: ۱۷). در اواسط سلطنت شاه اسماعیل اول، ایران چنان بسط و توسعه ای پیدا کرد که هرگز در ادوار بعد بدان پایه نرسید (شاردن، ۱۳۵۰: ۱۰). نقش دولت صفوی در تکوین و تثبیت هویت ایرانی بسیار پررنگ بوده است. از آنجا که نظام متحول جهانی، همزمان با دوره صفویان، ساختار تازه ای را با حضور دولت های مدرن تازه متولد شده اروپایی تجربه می کرد، لازمه تداوم حیات در دنیای آن روز، برخورداری از الگوی برابر با سایر دولت های مدرن بوده است، و صفویان فارغ از اینکه در این زمینه تا حدودی موفق بوده اند، به واسطه کسب منزلت و مقام شاخص اجتماعی، در مرحله نخست، مشروعیت مردمی را که لازمه مشروعیت هر دولتی است، به دست آوردند. این عامل، در واقع، جوهره مردمی هویت ایرانی به شمار می رود. در حقیقت می توان گفت: ویژگی برجسته دوره صفوی اشتغال آن بر بعد هویتی است. بدین منظور که دولت صفوی با تشکیل اولین دولت ملی ایران توانست خود یا همان هویت ایرانی را در قبال همسایگان خود چون:

عثمانی‌ها، ازبکان، روسیه تزاری و اروپاییان تعریف، تثبیت و به جهانیان عرضه نماید و حس ایرانی بودن را بازتولید و احیاء کند (بارانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵).

۴- ویژگی‌های معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفوی

معماری بومی آذربایجان پدید آورنده سه شیوه معماری ایران (رازی، آذری و اصفهانی) می‌باشد. شیوه اصفهانی کمی پیش از روی کار آمدن صفویان از زمان قره‌قویونلوها آغاز شد و در طول دوره صفویان و حتی پس از آن ادامه پیدا کرد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۷۲). در زمینه معماری مذهبی انواع مختلف مقابر، بیش از مساجد به عنوان یک گونه خاص از معماری صفوی محور توجه قرار گرفتند که خود نشان دهنده تکریم وسیع مقدسین در این دوره است (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۴۴). در میان بناهای مذهبی این دوره اولین بنای آذربایجان نیز که در وهله اول توجه هر اهل هنر و معماری را به خود جلب می‌کند، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. بسیاری از مورخان از جمله پیرنیا معتقدند: زیر بنای این مجموعه در سده هشتم بنیان شده، ولی آن قسمت‌هایی که مربوط به دوران صفوی است آشکارا جزو شاهکارهای آن به‌شمار می‌رود که شیوه آذری و شیوه اصفهانی را در خود جای داده است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۳۹). بقعه شیخ صفی حاوی دهها اثر بدیع در مضامین مختلف رشته‌های هنری از جمله: از عالی‌ترین نوع کاشی‌کاری معرق و هفت رنگ، مقرنس و گچ‌بری کتیبه‌های زیبا و نفیس، منبت‌های ارزنده، نقره‌کاری، تذهیب و طلاکاری، نقاشی و تنگ بری و غیره می‌باشد و از یک مجموعه معماری متینی برخوردار است که تجمع این همه فضایل هنری در یک مجموعه، از موارد نادر در مجموعه‌های تاریخی کشور است (جامعی، ۱۳۷۴: ۷۱). در دوره صفویه مقیاس بی‌سابقه‌ای از کارهای مرمتی در سراسر ایران آغاز و احداث بناهای جدید محدود شد. در همین راستا بویژه مقابر بزرگ از این نعمت بهره‌مند شدند (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۲۷).

بقعه شیخ صفی نیز در این میان از مهمترین بناهایی بود که طی سالیان طولانی مرمت گردیده و بناهایی نیز به آن اضافه شد. در زمینه کاروانسراها نیز معماران به جای مرمت کاروانسراهای قدیمی به برپایی کاروانسراهای جدید در کنار آن‌ها ترجیح دادند (همان: ۳۲۷). عصر طلایی ایجاد کاروانسراهای ایران متعلق به دوره صفوی است (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۳). نود درصد کاروانسراهای آذربایجان مربوط به دوره صفوی می‌باشد. وجود این کاروانسراها نشان دهنده تاریخ تجارت، ارتباطات و رفت و آمد پررونق این منطقه با کشورهای دیگر است (نیستانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). از نظر معماری کاروانسراهای ایران به سه گروه؛ کاروانسراهای کاملاً سرپوشیده مناطق کوهستانی، کاروانسراهای کرانه پست خلیج فارس و کاروانسراهای حیاطدار مناطق مرکزی ایران تقسیم می‌شوند (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۱۲). اکثر کاروانسراهای آذربایجان از نوع کوهستانی می‌باشند، چرا که معماران منطقه آذربایجان به دلیل وجود آب‌وهوای سرد ساخت کاروانسراها را به این شکل بر خود واجب می‌دانستند. این نوع کاروانسراها از اتاق‌های گنبددار با تعدادی اصطبل ساخته شده‌اند، که دارای اجاق‌های متعدد یا بخاری دیواری در داخل بنا می‌باشند. همچنین این نوع کاروانسراها از هر طرف بسته و پوشیده بوده و می‌توانسته جلوی بادهای مداوم و برف‌های زمستانی را بگیرد. این نوع کاروانسراها در مناطق کوهستانی و به‌ویژه گذرگاه‌های صعب‌العبور احداث و بیش از همه در عهد صفوی بنیاد شده است (همان: ۱۲ و ۱۳). از نمونه این نوع کاروانسرا می‌توان به کاروانسرای شاه عباسی نیر اشاره کرد که تمامی ویژگی‌های کاروانسرای کوهستانی را دارا می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های کاروانسراهای آذربایجان می‌توان به مصالح بوم‌آورد آن اشاره کرد، سنگ مهم‌ترین مصالح این بناها می‌باشد. استفاده از سنگ گاه در تلفیق با آجر و گاه به تنهایی شالوده اصلی بنا را تشکیل می‌داد. از دیگر بناهای مهم در دوره صفویه در آذربایجان ساخت مساجد چوبی می‌باشد که رواج و شدت بسیار گرفت. بطوریکه مساجد چوبی آذربایجان سرمشق تاریخی و هنری چهلستون‌های باشکوه صفویه در اصفهان و قزوین گردیدند. پی و شالوده اصلی این مساجد معمولاً با مصالح و سازه‌های بادوام و مقاوم مثل آجر و سنگ ساخته شده ولیکن ستون‌ها و پوشش مسطح سقف و اجزای تشکیل‌دهنده آن از چوب است و چوب، نقش سازه اصلی را ایفاء می‌کند (خیری، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۷). این مساجد برخلاف پلان رایج مساجد در دوره صفوی که اکثراً بصورت چهارایوانی بودند، بصورت شبستان‌های ستوندار ساخته شدند

(عمرانی، ۱۳۸۶: ۱۸). از زیباترین و باشکوه‌ترین عناصر این مساجد، سرستون‌های بسیار زیبا که بصورت حجمی با آرایه مقرنس‌کاری ساخته شدند، می‌باشد (عالم پوررجبی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

از مهم‌ترین خصوصیات خاص معماری صفویه که در سبک اصفهان قرار می‌گیرد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کثرت‌گرایی؛ رشد کمیت در معماری و شهرسازی و کم شدن کیفیت، ایجاد و ازدیاد فضاهای عام‌المنفعه شهری، مانند آب-انبارها، یخچال‌ها و فضاهای خدماتی مانند کاروانسراهای بین شهری، اوج استفاده از طراحی فضاهای چهارایوانی و کاربرد آن در ساخت مساجد، کاروانسراها و مقابر و غیره، ساخت مقابر مقدس مانند: امزاده‌ها و مقابر افراد مقدس، عالم و عارف، تولید انبوه کاشی هفت‌رنگ، ساخت کوشک‌های چهل‌ستونی، آغاز استفاده از خط نستعلیق، ساخت نوعی خاص از گچبری مجوف؛ این نوع تزیین در کاخ هشت‌بهشت اصفهان و چینی‌خانه مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی دیده می‌شود (نعیما، ۱۳۹۵: ۲۳۰ - ۲۲۸). از میان مواردی که برشمرده شد به غیر از استفاده از پلان چهارایوانی در بناها، بقیه گزینه‌ها در معماری آذربایجان در دوره صفوی وجود دارد. در آذربایجان بناها را با الگوی کوهستانی می‌ساختند که مختص این منطقه (مناطق سرد و کوهستانی) بوده است. (جدول ۱)

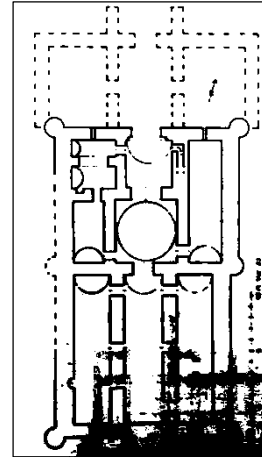
جدول ۱: مهمترین ویژگی‌های معماری آذربایجان در دوره صفویه

ردیف	مهمترین ویژگی‌های معماری آذربایجان در دوره صفویه	نمونه
۱	کثرت‌گرایی؛ رشد کمیت در معماری و شهرسازی و کم شدن کیفیت	
۲	ایجاد و ازدیاد فضاهای عام‌المنفعه شهری، مانند آب‌انبارها، یخچال‌ها و کاروانسراهای بین شهری	ساخت کاروانسراهای متعدد مانند: کاروانسرای شاه‌عباسی نیر، کاروانسرای شبلی، کاروانسرای جمال‌آباد و غیره
۳	ساخت مقابر مقدس مانند: امزاده‌ها و مقابر افراد مقدس، عالم و عارف	بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۴	ساخت کوشک‌های چهل‌ستونی	مساجد چوبی: مسجد مهرآباد و میدان بناب، مسجد ملارستم مراغه و غیره.
۵	تولید انبوه کاشی هفت‌رنگ	بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۶	ساخت نوعی خاص از گچبری مجوف	چینی‌خانه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۷	استفاده بسیار زیاد از نقاشی‌های دیواری روی گچ	بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی
۸	ساخت بناها با الگوی کوهستانی	کاروانسراها و مساجد چوبی آذربایجان
۹	استفاده از خط نستعلیق	بقعه شیخ صفی‌الدین و مساجد چوبی
۱۰	نقاشی و خوشنویسی روی چوب	مساجد چوبی آذربایجان

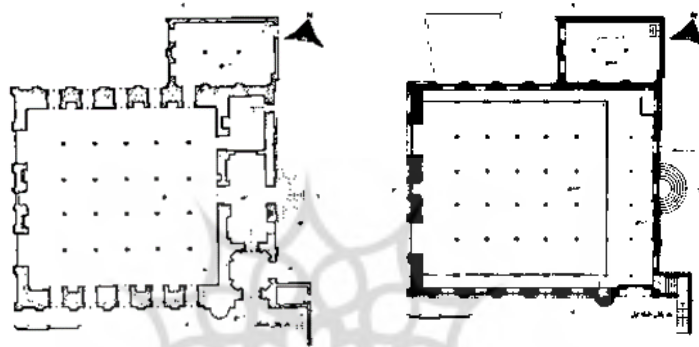
۵- عناصر و تجزیه و تحلیل معماری بناها

۵-۱- فضاسازی و پلان بناها

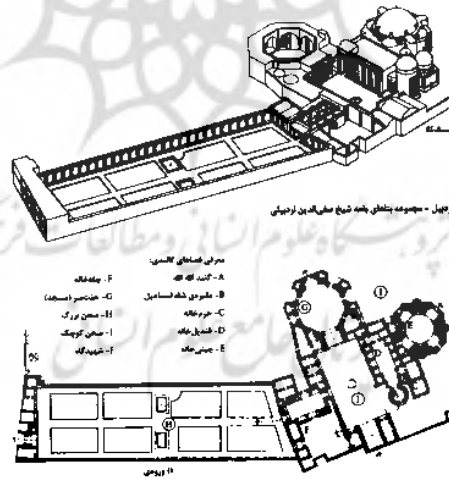
در دوره صفویه اوج استفاده از طراحی فضاهای چهارایوانی را مشاهده می‌کنیم (نعیما، ۱۳۹۵: ۲۲۹). اما این پلان در آذربایجان کمتر به چشم می‌خورد جز در مواردی نادر مانند: کاروانسرای جمال‌آباد (کیانی و کلایس، ۱۳۷۳: ۴۹۱). البته بیشتر کاروانسراها را نیز با الگوی کوهستانی و با استفاده از مصالح بومی چون سنگ می‌ساختند که متناسب با آب و هوای این منطقه بود مانند: کاروانسرای شاه‌عباسی نیر (مشنچی اصل، ۱۳۷۷: ۱۵۹). (تصویر ۱) و بسیاری از کاروانسراهای دیگر که در آذربایجان وجود دارند. در ساخت مساجد آذربایجان در این دوره که بیشتر بصورت مساجد چوبی بودند، ایوان دیده نمی‌شود و بیشتر بصورت شبستان‌های ستوندار ساخته می‌شدند (عمرانی، ۱۳۸۶: ۱۸). (تصویر ۲). درباره پلان بقعه شیخ صفی هم باید گفت که بصورت دواایوانی می‌باشد (تصویر ۳).



تصویر ۱: پلان و تصویر کاروانسرای شاه عباسی نیر، (منبع پلان: کیانی و کلابی، ۱۳۷۳: ۴۹۷؛ منبع تصویر: نگارنده (فاطمه بیدبرگ)، ۱۳۹۶).



تصویر ۲: پلان همکف و طبقه اول مسجد مهرآباد بناب، (منبع: دهقان، ۱۳۸۹، ۳۸ و ۳۹).



تصویر ۳: تصویر سه بعدی و پلان بقعه شیخ صفی‌الدین، (منبع: نعیم، ۱۳۹۴: ۴۰۰)

۲-۵- گنبدخانه

بلر و بلوم در کتاب هنر و معماری اسلامی در میان ویژگی‌های معماری صفویان به ساخت گنبد‌های پیازی شکل در این دوره اشاره می‌کنند (بلر و بلوم، ۱۳۹۴: ۴۷۵). در میان بناهای آذربایجان اولین گنبدی که در این میان جلب توجه می‌کند، گنبد مقبره شیخ صفی، معروف به گنبد الله‌الله می‌باشد. این گنبد بصورت گنبد دوپوش نیم‌پیازی که نیم‌رخ آن به هیبت نعل اسب نوک‌دار است، ساخته شده است (گلمغانی‌زاده و یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۴۲). در مورد کاروانسراها نیز باید گفت: گنبد‌هایی که بر

روی این بناها ایجاد می‌کردند بصورت گنبد‌های کوچک بوده است مانند: گنبد‌های متعدد کاروانسرای شبلی (نیستانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲) و همچنین تک‌گنبد کاروانسرای شاه‌عباسی نیر (مشنچی‌اصل، ۱۳۷۷: ۱۵۹). (تصویر ۴).



تصویر ۴: نمای نزدیک گنبد کاروانسرای شاه‌عباسی نیر (سمت راست)، گنبد الله‌الله (سمت چپ)، (منبع: نگارنده فاطمه بیدبرگ، ۱۳۹۶).

۵-۳- شبستان

مساجد ایران دارای چند الگو به این ترتیب بوده‌اند: الگوی شبستان ستوندار یا چهلستونی، مسجد گنبدخانه‌ای، مسجد ایوان‌دار، مسجد ایوان‌دار با گنبدخانه (پیرنیا، ۱۳۹۵: ۲۶۰). ساخت مساجد با الگوی شبستان ستوندار در دوره صفوی در آذربایجان رواج پیدا کرد، به طوری که در این دوره بسیاری از مساجد این خطه به شکل ستاندهای چوبی ساخته شده و به بهترین شکل تزیین گردیدند که سرمشق تاریخی و هنری چهلستون‌های باشکوه چوبی صفوی در شهرهای اصفهان و قزوین شدند (خیری، ۱۳۸۶: ۳۶۳). از بهترین نمونه‌های این مساجد می‌توان از مسجد مهرآباد بناب، مسجد میدان بناب و مسجد ملارستم مراغه نام برد (تصویر ۵).



تصویر ۵: نمای داخلی مساجد ملارستم مراغه (سمت راست)، و مهرآباد بناب (سمت چپ)، (منبع: دهقان، ۱۳۸۹: ۱۵۷ و ۴۳)

۵-۴- تزیینات بناها

تزیین در هنر اسلامی در طی چهارده قرن ارزش و اهمیت خود را نشان داده و هنرمندان اسلامی در تمامی دوران در تحول این هنر کوشیده‌اند، هیچ یک از آثار هنر اسلامی از آرایش و نقش‌های عناصر تزیینی، خطوط خوشنویسی، اشکال هندسی و عناصر نباتی خالی نیست. این از اصول کارهای هنری اسلامی است برای اینکه هنرمندان مسلمان خالی بودن سطوح را خوش نمی‌دانستند و علاقه داشتند آن‌ها را با تزییناتی پر کنند و بیوشاند؛ گچ‌بری، آجرکاری، کاشی‌کاری و غیره از جمله تزیینات معماری اسلامی است که بعضاً به تنهایی و گاهی در کنار هم نمایی باشکوه و زیبا ایجاد نموده‌اند. در دوره صفوی تزیین در بنا از مهمترین برنامه‌های معماران این دوره بوده است. به طوری که می‌توان گفت: شکوه معماری صفوی در فراوانی زایدالوصف استفاده از تزیینات است. البته تنها ایراد آن کثرت استفاده از کاشی در این دوره و کیفیت پایین آن است. کاشی‌های هفت‌رنگ

در این دوره جایگزین کاشی‌های معرق گردید. تزیینات معماری با کمبود نسبی گچ‌بری، آجرهای کنده‌کاری شده و آجرکاری تزیینی مورد تضعیف قرار گرفت و بدین ترتیب کاشی می‌بایست همه این کمبودها را در تزیینات بنا جبران می‌کرد (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۳۳)

۵-۴-۱- کاشی‌کاری

براساس کاوش‌های باستان‌شناسی می‌توان گفت: استفاده از کاشی به دهه‌های اواخر قرن چهارم هجری می‌رسد. تقریباً از اوایل دوره ایلخانی کمتر بنایی را می‌توان یافت که در تزیین آن از کاشی استفاده نکرده باشند. این عنصر تزیینی نه تنها باعث زیبایی بنا می‌شود بلکه به استحکام بنا نیز کمک می‌کند. این عوامل سبب شد که هنر کاشی‌کاری در زمان تیموری به تکامل برسد و در عهد صفوی نیز توسعه یابد (گلمغانی‌زاده و یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۰۴). در میان بناهای آذربایجان بقعه شیخ صفی از لحاظ صنعت هنر کاشی‌کاری جایگاه ویژه‌ای دارد و وسیع‌ترین تزیینات نماها اختصاص به کاشی‌کاری دارد، اغلب این تزیینات کتیبه‌هایی با مفاد قرآنی و حدیثی یا نگاره‌های نباتی است که زمانی با آجر و کاشی (معلقی) و گاهی با گچ اجرا شده‌اند. کاشی‌کاری در بقعه شیخ صفی معمولاً ترکیبی از کاشی‌های معلقی، هفت‌رنگ و معرق است. در بقعه اردبیل کاربرد کاشی‌های هفت‌رنگ در آرامگاه شاه اسماعیل و عمارت چینی‌خانه با نگاره‌های اسلیمی و زرنگار و برگ نخل سه‌برگه زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد. ازاره داخلی چینی‌خانه با نقش و نگار نباتی و عبارات دعایی و طرح‌های متنوع جانوری؛ پرند و حیوانات افسانه‌ای چینی، زیبایی سبک هنری شاه‌عباس را به نمایش گذاشته است. قطعاً گسترش تبدلات تمدنی ایران با چین در ظهور چنین سبک بدیع، در دوره صفویه بی‌تأثیر نبوده است (همان، ۳۰۶-۳۰۴). (تصویر ۶). در این دوره در تزیین معماری به خوشنویسی اهمیت زیادی داده شده و به گونه هنر کتیبه‌نگاری ساختمانی انعکاس یافته است؛ و این یکی از تحولات خاص هنر کاشی‌کاری این دوره به شمار می‌رود (اسکارچیا، ۱۳۷۶: ۹). در بقعه شیخ صفی نیز خطوط خوشنویسی سفید بر روی کاشی آن را از نظر تزیینی ممتاز نموده است (گلمغانی‌زاده و یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۰۶). مفاد این کتیبه‌ها قرآنی یا دعایی بوده (تصویر ۷). همچنین نام الله، محمد و علی بر جای‌جای مجموعه بقعه شیخ‌صفی دیده می‌شود. نام الله بر روی گنبد مقبره شیخ‌صفی و نام علی (ع) بر روی مقبره شاه اسماعیل و هر سه نام بر روی ایوان سمت راست مسجد جنت‌سرا نمونه بارز این نوشته‌ها هستند که با هویت شیعی صفویان کاملاً همخوانی دارند (تصویر ۸).



تصویر ۷: نمونه‌ای از آیات قرآنی بصورت خوشنویسی بر روی کاشی معرق در نمای بیرونی تالار دارالحفاظ،
(منبع: نگارنده (فاطمه بیدبرگ)، ۱۳۹۶)



تصویر ۶: نمونه‌هایی از کاشی هفت‌رنگ با نقوش گیاهی و افسانه‌ای چین در ازاره داخلی چینی‌خانه (سمت راست) و کاشی معرق با نقوش گیاهی بر روی تالار دارالحفاظ (سمت چپ)،
(منبع: نگارنده (فاطمه بیدبرگ)، ۱۳۹۶).

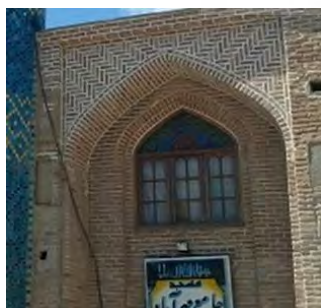




تصویر ۸: نام حضرت علی (ع) بصورت کاشی‌های هفت‌رنگ بر روی گنبد مقبره شاه‌اسماعیل (سمت راست) و نام‌های مقدس الله، محمد و علی بصورت کاشی معرق بر روی ایوان سمت چپ جنت‌سرا (سمت چپ)، (منبع: نگارنده (فاطمه بیدبرگ)، ۱۳۹۶)

۵-۴-۲- آجرکاری

در قرون چهارم و پنجم هجری اغلب برای زیباسازی ساختمان‌ها از تزیینات متنوع آجر استفاده گردید. با آغاز سلسله‌های ایرانی سامانیان، آل‌بویه، غزنویان و سپس در دوره سلجوقی آجرکاری هم از نظر زیبایی و هم از لحاظ ساختمانی به کمال رشد و تعالی خود می‌رسد. اوج استفاده از آجرکاری در دوره سلجوقیان می‌باشد. بعدها یعنی از قرن هفتم به بعد کاربرد تلفیق آجر و کاشی در آرایه‌های بناهای دوران اسلامی دیده می‌شود (گلمغانی‌زاده و یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۰۷). در دوره صفوی استفاده از آرایه آجرکاری بسیار کم شد. معماران صفوی اغلب استفاده از آجر را به بدنه‌های کناری ساختمان یعنی جاهایی که عملاً از کاشی-کاری در آن‌ها استفاده نمی‌شد، محدود کردند. بدین ترتیب بنا کیفیت سه بعدی خود را از دست می‌داد و در معرض خطر یک معماری صرفاً نمایی و روکار قرار می‌گرفت. در کل بیشتر از آجر به عنوان یک زیرکار استفاده می‌شد (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۳۴). در بقعه شیخ صفی ما تلفیق آجر و کاشی را شاهد هستیم. تلفیق آجر و کاشی در گنبد الله‌الله فوق‌العاده زیبا و ظریف است؛ اجرای کلمه مقدس الله و محمد (ص) در اشکال چهارگوش اوج هنر آجرکاری را به نمایش می‌گذارد. بی‌تردید گنبد مزار شیخ صفی یک نمونه بسیار عالی از فن تلفیق آجر و کاشی در اواخر قرن هشتم هجری است. (گلمغانی‌زاده و یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۰۸). (تصویر ۹). دیوارهای مساجد چوبی نیز اغلب با آجر ساخته می‌شد. این مساجد دارای سازه‌های خشتی، آجری و چوبی توأمان می‌باشند (خیری، ۱۳۸۶: ۴۰۱). همچنین تزیینات آجرکاری نیز در این مساجد دیده می‌شود (همان، ۳۶۳) و نمونه آن در لچکی‌های تاق‌های نمای شمالی مسجد مهرآباد بناب به چشم می‌خورد که تماماً به شکل خفته و راسته می‌باشد (همان، ۴۰۲). (تصویر ۱۰). مصالح بکار رفته در کاروانسرا هم بعضاً آجر و سنگ و گاهی سنگ به تنهایی می‌باشد. سادگی تزیین کاروانسراهای دوره صفوی حاکی از خصلت کاربردی آن‌هاست (بلر و بلوم، ۱۳۹۴: ۴۸۶). البته در این میان برخی کاروانسراها مانند کاروانسرای جمال‌آباد استثنا بوده و دارای آجرکاری در قسمت نمای بیرونی بنا می‌باشد که جلوه خاصی به بنا داده است (نیستانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰). (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰: نمایی از آجرکاری تاق‌نماهای مسجد مهرآباد بناب بصورت خفته و راسته (منبع: www.fishineh.com)

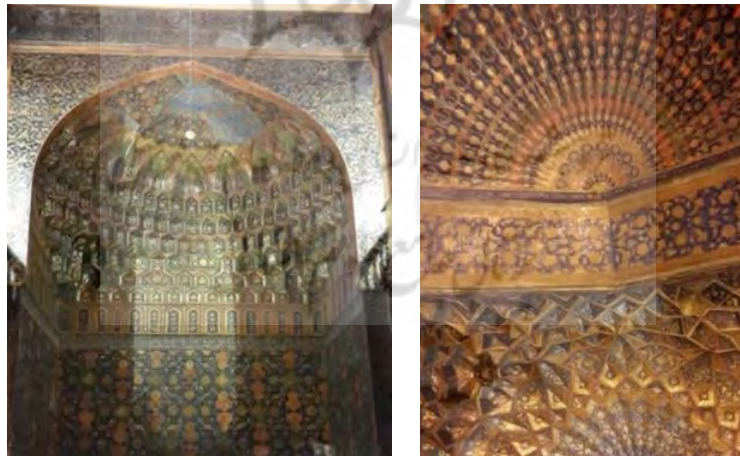
تصویر ۹: تلفیق آجر و کاشی بر روی گنبد مقبره شیخ صفی، (منبع: نگارنده (فاطمه بیدبرگ)، ۱۳۹۶).



تصویر ۱۱: نمایی از آجرکاری کاروانسرای جمال آباد، (منبع: www.tishineh.com)

۵-۴-۳- گچ‌بری

آرایه‌های گچی از عناصر معماری و هنرهای کاربردی است که در تمامی دوره‌های تاریخی در معماری استفاده شده است. در بسیاری از بناهای عصر سلجوقی و ایلخانی چون مسجد جمعه اردبیل و گنبد سلطانیه شاهد کاربرد در شکل تکامل یافته‌ی آن هستیم. به گفته برخی مورخان در دوره صفوی همانند کم شدن اهمیت آجرکاری، گچ‌بری نیز از اهمیت کمتری نسبت به کاشی‌کاری برخوردار گشت. در زمینه کار با گچ فقط اندود گچی ساده و سفید که برای پوشاندن تاق‌ها استفاده می‌شد در این دوره تداوم یافت (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۳۳۵). در بقعه شیخ صفی ما شاهد تزیینات گچ‌بری زیبایی در بیشتر نقاط آن هستیم. بدنه داخلی بیشتر بناهای این مکان مذهبی با گچ سفیدکاری و با تزیینات ظریف مزین شده است. در جاهاییکه تزیینات گچی به هیبت گل و بوته است نگاره‌های تزیینی به طرز برجسته یا گود در گچ ایجاد و با رنگ‌های متنوع گیاهی و آب طلا پوشش داده شده است (تصویر ۱۲). زیر گنبد مقبره شیخ صفی و گنبد آرامگاه اسماعیل گچ‌بری پته در نهایت ظرافت کار شده است (گلمغانی‌زاده و یوسفی، ۱۳۸۴: ۳۰۹ و ۳۱۰). در دوره صفوی ساخت نوع خاصی از گچ‌بری مجوف رواج پیدا کرد که نمونه‌های آن را در کاخ عالی قاپو و هشت بهشت و همچنین چینی‌خانه مجموعه شیخ صفی می‌توان دید (نعیما، ۱۳۹۵: ۲۳۰). در عمارت چینی‌خانه مقرنس‌ها به شکل طاقچه‌های مجوف و محفظه‌های زیبا در زیر گنبد چینی‌خانه تعالی هنر معماری عصر صفوی را نشان می‌دهد. (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۲: نمونه‌هایی از گچ‌بری بصورت مقرنس منقش به رنگ‌های گیاهی زیر گنبد شاه‌نشین (سمت راست) و در تالار

دارالحفاظ (سمت چپ)، (منبع: نگارنده (فاطمه بیدبرگ)، ۱۳۹۶)



تصویر ۱۳: نمونه‌هایی از گچ‌بری پته در زیر گنبد مقبره شیخ صفی (سمت راست) و گچ‌بری مجوف بصورت مقرنس در عمارت چینی‌خانه (سمت چپ)، (منبع: نگارنده (فاطمه بیدبرگ)، ۱۳۹۶)

۵-۴-۴- تزئین بر روی چوب

نکته قابل توجه در شبستان‌های مساجد چوبی آذربایجان، همانا وجود طرح‌ها و تزیینات زیبای ستون‌ها، سرستون‌ها و نمای زیر سقف چوبین مسجد است. در تزیینات سقف این مساجد، بستر زیرین و زمینه صندوقه‌ها در فواصل سرستون‌ها، طرح‌ها و نقوش بزرگ ترنج و سرترنج‌های متوازن و موزون طراحی و ترسیم شده است (خیری، ۱۳۸۵: ۱۲۰). نمونه‌ای از تزیین روی چوب را می‌توان در مسجد میدان بناب مشاهده کرد؛ سرتاسر سقف این مسجد پوشیده از پردوهای منقوش است. جوانب صندوقه‌ها نیز در دو بخش تزیین شده‌اند: در ردیف پایین نقوش گیاهی به طور متقارن آمده و در ردیف بالا کتیبه‌هایی از آیات، احادیث، ادعیه و اشعار به خط نستعلیق و با رنگ مشکی نقش شده است. نقوش گیاهی و کتیبه‌هایی از اسماء جلاله، بسم‌الله، اسامی ائمه و احادیث و تاریخ مرمت‌های انجام شده نیز از جمله نقش‌های روی پردوها هستند (دهقان، ۱۳۸۹: ۸۰). همچنین نام امامان از جمله امام علی (ع)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بر روی این پردوها دیده می‌شود، که با هویت شیعی صفویان در ارتباط است. (تصویر ۱۴). در مورد تزیینات چوبی مسجد مهرآباد که زیباترین ستون‌ها را در میان مساجد چوبی دارد باید گفت: هر کدام از سرستون شبستان این مسجد، در اندازه، شکل و شیوه جداگانه‌ای ساخته و تزیین شده است. بنابراین ظرایف و تنوع انواع مختلف هنرهای کاربردی معماری ایرانی-اسلامی در مسجد مهرآباد به اوج خود رسیده است (خیری، ۱۳۸۶: ۴۰۴). ورجاوند معتقد است: طراحی سرستون‌های چهل‌ستون اصفهان برگرفته از سرستون‌های مسجد مهرآباد بناب است (عالم پوررجبی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). صندوقه‌های مکعب مستطیل شکلی که شاه‌تیرهای سقف را در خود پنهان ساخته‌اند نیز آراسته و منقوش‌اند (دهقان، ۱۳۸۹: ۴۰). علاوه بر نقاشی‌های روی چوب با موضوعات گل و گیاه، تزیینات دیگری بر روی توفالکوبی‌های سقف با رنگ مشکی و در قالب: اسماء جلاله، عباراتی مانند: بسم‌الله الرحمن الرحیم، یا غفار الذنوب، یا برهان، یا ستار العیوب، یا سبحانک یا علی‌ادرکنی، یا غفار، یا محمد یا علی، الله محمد علی، یا قاضی الحاجات، یا امام‌مظلوم و همچنین تاریخ تعمیرات مسجد در ادوار گوناگون و اسامی هنرمندان و خیرین محل پدیدار شده است (خیری، ۱۳۸۶: ۴۰۶؛ تصویر ۱۵).



تصویر ۱۴: کتیبه‌های سقف مسجد میدان بناب، (منبع: دهقان، ۱۳۸۹: ۸۱).



تصویر ۱۵: نمونه‌هایی از سرستون‌ها و سقف مسجد مهرآباد با نقوش گیاهی و آیات قرآنی، (منبع: دهقان، ۱۳۸۹: ۵۰).

نتیجه‌گیری

با بررسی‌هایی که صورت گرفت معماری اسلامی آذربایجان در دوره صفویه در سبک اصفهانی جای می‌گیرد، که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن در آذربایجان می‌توان به برپایی کاروانسراها اشاره کرد. اکثر کاروانسراهای آذربایجان با الگوی کوهستانی که الگوی بومی است و مختص مناطق کوهستانی می‌باشد و همچنین مصالح بوم‌آورد چون سنگ و آجر ساخته شدند. مانند: کاروانسرای شبلی و کاروانسرای شاه عباسی نیر. از ویژگی‌های دیگر سبک اصفهانی استفاده از کاشی هفت‌رنگ می‌باشد، که در بررسی بقعه شیخ صفی به کرات مشاهده شد. البته باید اذعان داشت بنای شیخ صفی به دو سبک آذری و اصفهانی ساخته شده است، به طوری که در تزیینات آن شاهد بکارگیری کاشی معرق و استفاده از گچ‌بری‌های بسیار زیبا و کم‌نظیر هستیم که جزو ویژگی‌های شاخص سبک آذری می‌باشد در واقع می‌توان گفت: این بنا تمام ویژگی‌های بارز سبک آذری و اصفهانی را در خود جای داده است و از این نظر در نوع خود کم‌نظیر است. در نگاه اول به بقعه شیخ صفی ما شاهد آرایه‌های معنوی در قالب دین اسلام و مذهب تشیع هستیم که در جای جای نقاط این بقعه خودنمایی می‌کند. بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی با کتیبه‌ها و مضامین آن هویت دینی - اسلامی این مکان را به خوبی بیان می‌کند. هنرمند با استفاده از آیات قرآنی، اسماء جلاله و غیره سعی بر آن داشته نقشی بیافریند که تأثیر حضور خداوند را نمایان‌تر سازد. نام الله و حضرت علی(ع) بر روی دو مقبره شیخ صفی و شاه اسماعیل، احترام و ستایش عمیق هنرمندان عصر صفوی به خدای یکتا و ائمه را در هنر ایرانی نشان می‌دهد. وجود نام الله و بخصوص ائمه اطهار یکی از مهمترین ویژگی‌های هویتی معماری عصر صفوی می‌باشد که با هویت شیعی کاملاً همخوانی دارد. ویژگی دیگر سبک اصفهانی که در آذربایجان به خوبی از آن استفاده شده، ساخت ستون‌های چوبی می‌باشد. در واقع می‌توان گفت: مساجد چوبی آذربایجان پیش‌نمونه کاخ‌های صفوی در اصفهان هستند. این مساجد از مهمترین بناهای آذربایجان در دوره صفوی به شمار می‌روند که دارای ویژگی‌های مذهبی، هنری و معماری خاصی می‌باشند. الگوی ساخت این بناها که به صورت شبستان‌های ستوندار چوبی بوده، بومی می‌باشد. کتیبه‌های مساجد که حاوی مطالبی از نام و القاب خداوند متعال، آیات قرآنی و همچنین نام حضرت علی(ع) است کاملاً با هویت شیعی صفویان همخوانی دارد. در جمع‌بندی مطالب می‌توان اینگونه پنداشت که معماران و تزیین‌کاران آذربایجان طی دوره زمانی مذکور، اصول اسلامی و هویت دینی و شیعی عصر خود را در ساخت و تزیین بناها لحاظ کرده‌اند. همچنین اقلیم نیز در ساخت بناها تأثیر مستقیمی گذاشته است و معماری بومی مختص این منطقه بخصوص در مورد مساجد و کاروانسراها شکل گرفته است.

منابع

- ۱- آژند، یعقوب، (۱۳۸۰)، «تاریخ ایران در دوره صفویه»، تهران: انتشارات شفق.
- ۲- اسکارچیا، جیان روبرت، (۱۳۷۶)، «تاریخ هنر ایران (۱۰)، هنر صفوی، زند، قاجار»، ت: یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.

- ۳- بارانی، فاطمه؛ حامد پازوکی و شیما کریمی، (۱۳۹۴)، «بررسی عناصر هویت‌ساز معماری در مساجد دوره صفوی، نمونه موردی: مسجد فرح‌آباد ساری»، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
- ۴- براون، ادوارد، (۱۳۶۳)، «تاریخ ادبیات ایران»، ت: بهرام مقدادی، جلد چهارم، تهران: انتشارات مروارید.
- ۵- بلر شیلا، بلوم جانانان، (۱۳۹۴)، «هنر و معماری اسلامی (۲)»، ت: یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۹۵)، «معماری ایرانی»، تدوین: غلامحسین معماریان، چاپ ششم، تهران: انتشارات غلامحسین معماریان.
- ۷- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۳)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، تدوین: غلامحسین معماریان، چاپ سوم، تهران: انتشارات معمار.
- ۸- جامعی، بیوک، (۱۳۷۴)، «نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل»، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- جکسون پیتر، لاکهارت لورنس، (۱۳۹۰)، «تاریخ ایران کمبریج (جلد ششم) قسمت سوم دوره صفوی»، ت: تیمور قادری، چاپ دوم، تهران: انتشارات مهتاب.
- ۱۰- خیری، سیروس، (۱۳۸۶)، «معماری و تزیینات ستون‌های چوبی دوره صفویه در آذربایجان»، جلد دوم، تبریز: انتشارات مهدی آزادی.
- ۱۱- دهقان، ناهید، (۱۳۸۹)، «نگاره‌های چوبی مساجد آذربایجان شرقی»، چاپ اول، تهران: انتشارات متن.
- ۱۲- سیوری، راجر، (۱۳۸۹)، «ایران عصر صفوی»، ت: کامبیز عزیزی، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات منصور.
- ۱۳- شاردن، جان، (۱۳۵۰)، «سیاحتنامه شاردن»، ت: محمد عباسی، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۴- عالم پوررجبی، مسعود، (۱۳۸۴)، «میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان شرقی»، چاپ اول، تبریز: انتشارات احساس.
- ۱۵- عمرانی بهروز، اسمعیلی سنگری حسین، (۱۳۸۶)، «مساجد تاریخی استان آذربایجان شرقی»، چاپ اول، تبریز: انتشارات ستوده.
- ۱۶- قدیانی، عباس، (۱۳۸۴)، «تاریخ، فرهنگ و تمدن ایرانی در دوره صفویه»، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب.
- ۱۷- قنبری، علی، (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های هویت ایرانی»، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- ۱۸- گرابر، اولگ و همکاران، (۱۳۸۹)، «معماری اسلامی»، ت: اکرم قیطاسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۱۹- گلمغانی‌زاده‌اصل ملکه، یوسفی حسن، (۱۳۸۴)، «باستان‌شناسی و تاریخ هنر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، اردبیل: انتشارات نیک‌آموز.
- ۲۰- مشنچی‌اصل، امیر، (۱۳۷۷)، «نیر به روایت تاریخ»، تهران.
- ۲۱- موسوی، رئوف، (۱۳۷۹)، «اردبیل در عصر صفویه»، چاپ اول، تبریز: انتشارات شیخ‌صفی‌الدین.
- ۲۲- نعیم، غلامرضا، (۱۳۹۵)، «سیر تحول معماری ایران، از دوره تیموری تا دوره معاصر»، جلد دوم، تهران: انتشارات سروش دانش.
- ۲۳- نیستانی، جواد، رضا عطایی و سید مهدی موسوی کوهپر، (۱۳۹۴)، «مطالعه و بررسی کاروانسراهای موجود در مسیرهای باستانی آذربایجان»، اولین کنگره بین‌المللی زمین، فضا و انرژی پاک، اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی.

Study Features of the Islamic Architecture of Azerbaijan during the Safavid period

Fatemeh Bidbarg^{1*}, Ardeshir Javanmardzadeh², Habib Shahbazi Shiran³, masomeh bidbarg⁴

1- Master of Science in Archeology, University of Mohaghegh Ardabili, email:.

2- Assistant Professor of Archeology Department, Faculty Member of Mohaghegh Ardabili University.

3- Assistant Professor of Archeology Department, Faculty Member of Mohaghegh Ardabili University.

4- Master of Science in Archeology, University of Mohaghegh Ardabili
fatemeh.bidbarg@gmail.com

Abstract

Art and architecture had been great progress in the Safavid period. The land of Azerbaijan during the period of the Ilkhanate had an advanced architecture and then along with appear the Safavid dynasty, many buildings with different functions built-in Azerbaijan. The archaeological identification and review of these buildings carried out to make a more complete and deeper understanding of the architecture of this period. Although the Islamic architecture of Azerbaijan during the Safavid period does not compatible with the Isfahan architecture due to the ongoing wars against Ottoman government, but it is important in turn. This architecture has also been highly affected by its native climate and architecture, and has led to construction beautiful and lasting buildings such as Sheikh Safi al-Din Ardabili shrine, wooden mosques, caravansaries, and so on. The aim of this research is to study and analyze the Islamic architectural identity of Azerbaijan, identifying of decorative trends, innovations, and so on. The research method is library studies, review of archaeological reports and records and field research. The buildings will be surveying have selected as the most important of these buildings. Shrine of Sheikh Safi al-Din Ardabili, one of the most important of these buildings in Azerbaijan, has joined with Isfahani and Azeri style. It is also a cross-section of a building that shows signs of the Safavid religious and Shiite identity in all parts of it. Wooden mosques in structure and decorations have a special place among the buildings of Azerbaijan in the Safavid period, which has built-in a shabestan form and decorated with extraordinary wooden elements and Caravansaries are also one of the most important buildings in the Safavid period that reflecting the rise of trade in this period in Azerbaijan, and the climate has had a direct impact on the build of these buildings.

Keywords: Safavids, Islamic architecture of Azerbaijan, Isfahani style, Sheikh Safi Din Shrine, Wooden mosques